

تحلیل کمی و کیفی روند رشد و مکان یابی خدمات برتر در سکونتگاههای روستایی شهرستان مشهد

چکیده

در مطالعات روستایی ایران، کمبود تحلیل کیفی توزیع عملکردها، به‌ویژه خدمات برتر از طریق ارزشیابی موانع دسترسی به آنها کاملاً مشهود است. یکی از نتایج این ارزشیابی، به چالش کشاندن مکان‌یابی‌هایی است که عمدتاً در قالب رهیافت اوزالیدی - غیر مشارکتی، به وقوع پیوسته است. مقاله‌ی حاضر با بررسی روند رشد، مکان‌یابی و سنجش مشکلات دسترسی خدمات برتر طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵ با استفاده از روش‌های توصیفی - تحلیلی، تداومی - مقطعی و نیز ارزشیابی سریع روستایی در سطح روستاهای شهرستان مشهد، به نتایج مهمی دست یافته است. از جمله‌ی این نتایج عبارت‌اند از: وقوع رشد معنادار در سطوح برخورداری، گوناگونی شدید و معنادار دهستان‌های سیزده‌گانه از نظر سطوح برخورداری (بعد کمی) و مشکل دسترسی (بعد کیفی) و از همه مهمتر، نبود رابطه‌ی معنادار میان دو متغیر اصلی تحقیق، یعنی سطح برخورداری و مشکل دسترسی به خدمات برتر. از نظر فضایی، «دهستانهای طوس، درزاب، کارده و تبادکان (همه از بخش مرکزی) و آبروان و سرجام» و از جنبه‌ی نوع خدمات، «دبیرستان، مرکز بهداشتی - درمانی و بانک» بالاترین ضریب مشکل دسترسی را تحمل می‌کنند. بنابراین اجرای هر چه سریع‌تر مصوبه‌ی شورای عالی شهرسازی و معماری کشور در خصوص سطح بندی سکونتگاههای روستایی، البته با رهیافتی مشارکتی، از اولویت برخوردار است.

واژگان کلیدی: خدمات برتر، سطح برخورداری، مشکل دسترسی، روستاهای مشهد.

درآمد:

در مطالعات متعددی با تأکید بر میزان برخورداری سکونتگاههای روستایی از خدمات و امکانات مختلف، اقدام به تعیین سطوح توسعه یافتگی و فاصله‌ی مناطق از یکدیگر شده است. اگر چه این گونه مطالعات، سطح آگاهی از تباینات فضایی را ارتقاء می‌دهد، اما به تنهایی نمی‌تواند مبنای میزان محرومیت واقعی روستائینان باشد. به عبارتی از محتوای آنها مشخص نمی‌شود که آیا ارتباطی بین سطح برخورداری با میزان مشکل دسترسی - محرومیت واقعی، وجود دارد یا نه؟ به واقع، چه بسا به دلیل ضعف مکان یابی‌ها، با وجود بالا بودن سطح برخورداری، مشکلات دسترسی پایین نباشد. بدیهی است سنجش میزان برخورداری‌ها، آن هم براساس منابع آماری رسمی یا غیررسمی در مقایسه با ارزیابی مشکل دسترسی، کاری ساده و در عین حال لازم، ولی ناکافی و شاید گول زنده باشد، زیرا بیش از آن که به جنبه‌ی کیفی یا نحوه‌ی بارگذاری عملکردها در میان سکونتگاهها پرداخته شود، وجه کمی موضوع مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین کمبود تحلیل کیفی توزیع عملکردها از طریق ارزیابی مشکلات دسترسی به آنها در مطالعات روستایی کاملاً مشهود است. نتایج حاصل می‌تواند مکان یابی‌هایی را که در قالب رویکرد مراکز رشد روستایی با رهیافتی عمدتاً اوزالیدی صورت گرفته به چالش بکشاند.

تحقیق حاضر، با توجه به اهمیت موضوع، ضمن تحلیل روند رشد و مکان یابی خدمات برتر در سال‌های ۸۵-۱۳۴۵، وضعیت سیزده دهستان شهرستان مشهد را از نظر هر دو وجه کمی و کیفی، ارتباط آنها با یکدیگر و با برخی متغیرها بررسی نموده و در نهایت دهستان‌ها و خدمات برتری که به طور جدی باید مورد توجه قرار گیرند، مورد شناسایی قرار داده است.

بیان مسأله

اگر تحقق روستای مطلوب را در گرو بهبود شرایط اجتماعی و ارتقاء هم‌بستگی اجتماعی همراه با ایجاد منابع پایدار اقتصادی بدانیم، در کشور ایران، با توجه به ویژگی‌های ساختاری-عملکردی سکونتگاههای روستایی، یکی از مهمترین مسائل، چگونگی ساماندهی مراکز رشد روستایی است. در این راستا «شناسایی محدودیت‌ها و امکانات سکونتگاهها و کوشش در جهت ساماندهی ساختاری-عملکردی و بهبود بخشی

مناسبات حاکم بر آنها، از اهمّ اموری است که بدون توجه به آن، زمینه‌سازی مناسب برای بهسازی و نهایتاً توسعه‌ی روستایی تحقّق نخواهد یافت» (سعیدی، ۱۳۸۴: ۵۵).

اگر چه رشد کمی خدمات، بعد از انقلاب اسلامی نسبت به سالهای قبل از آن، در سطح معناداری افزایش داشته است، اما در بیشتر موارد نتوانسته است مهمترین هدف توسعه‌ی روستایی، یعنی تثبیت جمعیت را فراهم کند. یکی از مهمترین دلایل این ناکامی، ضعف مکان‌یابی‌ها به‌ویژه در خصوص خدمات برتر بوده است، که خود ناشی از نبود طرحی جامع و مصوب، علی‌رغم پشتوانه‌های قانونی لازم، همانند مصوبه‌ی شورای عالی شهرسازی و معماری کشور (وزارت مسکن، ۱۳۷۸) می‌باشد. البته می‌دانیم که «تأمین خدمات صحیح در بهترین حالت، شرطی لازم برای توسعه است، بی آن‌که فی‌نفسه کافی باشد» (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵: ۱۷۰) و همچنین برنامه‌ریزی مراکز روستایی فرایندی بسیار پیچیده است و به موفقیت رساندن چنین فرایندی، یعنی کارکردی کردن خدمات و نه حضور فیزیکی، حقیقتاً مشکل است (همان: ۱۷۱). به عبارت دیگر مهمترین مسأله در موفقیت مراکز رشد روستایی این است که چگونه سکونتگاههای پیرامونی از تمرکز منابع در آنها بهره‌مند خواهند شد؛ به‌ویژه مشکلات عدم دسترسی کامل می‌تواند مانعی برای انتشار آثار توسعه باشد. به هر حال، تصور وجود راهبردی که بتواند مسائل مراکز رشد را برطرف نماید دشوار است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

براساس نتایج حاصل از سنجش مشکلات دسترسی در سطح ۳۳۹ روستای بالای بیست خانوار شهرستان مشهد، قبل از هر چیز لازم است ضعف در مکان‌یابی مراکز رشد و تجهیز به موقع آنها را مشکل اساسی دانست. در همین راستا، ساماندهی فضایی خدمات برتر به دلیل سطح عملکردی گسترده جایگاه ویژه‌ای دارد، آن هم در سطح شهرستان مشهد که دومین کلان‌شهر کشور را در خود جای داده و تمرکز شدیدی از سکونتگاههای روستایی را پیرامون خود دارد. واقعیت این است که در انتخاب مراکز روستایی برای استقرار خدمات برتر در آنها بیش از هر چیز، سطح پذیرش اجتماعی باید در نظر گرفته شود؛ زیرا «محتوا و خدمات هر طرحی باید به گونه‌ای باشد که پاسخ‌گوی نیازها و مشکلات مردم روستا در زمینه‌ی مورد نظر (حداقل تا حدودی)، باشد. در چنین حالتی، با درک روستاییان نسبت به مسأله، مشارکت آنان نیز بیشتر، مؤثرتر و دلسوزانه‌تر می‌گردد» (Montgomery, 1998: 53). «اصولاً طرح‌های توسعه‌ی روستایی، چه به لحاظ ماهیت و چه محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند» (Jupp, 1998: 73).

«در برخی کشورها، همانند آمریکا برنامه‌های عملیاتی عادلانه به بسیج جوامع دارای محدودیت کمک کرده است و در انگلیس، گسترش غرور محلی می‌تواند بنیانی مؤثر برای حفظ و بهبود کیفیت مکان‌های فراموش شده فراهم کند» (Agyeman & Evans, 2004: 159). بر همین اساس «دوره‌ی فعال در نظام برنامه‌ریزی ناحیه‌ای انگلستان از دهه‌ی ۱۹۹۰ با تقویت انجمن‌های ناحیه‌ای به منظور بهبود مشارکت عمومی همراه شده است» (Graham & Dave, 2004: 136).

در مناطق روستایی ایران نیز اجرای برنامه‌های عملیاتی عادلانه مبتنی بر اصل مشارکت مردمی، به‌ویژه در مرحله‌ی تصمیم‌گیری، پیامدهای مطلوب به همراه خواهد داشت؛ از جمله تجدید توزیع فضایی خدمات برتر از طریق ارزیابی مشارکتی گامی مؤثر در ارتقاء شرایط اجتماعی و به تبع آن ایجاد منابع پایدار اقتصادی است. تحقیق حاضر با رویکرد مردمی، سنجش سطوح برخورداری را توأم با مشکلات دسترسی به خدمات برتر هدف قرار داده است تا در واقع بتواند ضمن طبقه‌بندی دهستانها، مکان‌یابی‌های گذشته را تحلیل و مهمترین اولویت‌بندی‌ها را شناسایی کند.

فرضیات و روش تحقیق

با توجه به هدف اصلی تحقیق، می‌توان فرضیات زیر را مطرح کرد؛

۱. خدمات برتر، رشد کمی قابل ملاحظه در روستاهای مشهد طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵ داشته‌اند؛
 ۲. به نظر می‌رسد دهستان‌ها از نظر سطح برخورداری و مشکل دسترسی به خدمات برتر تفاوت زیادی با یکدیگر دارند؛
 ۳. بین سطوح برخورداری و مشکل دسترسی به خدمات برتر ارتباط معکوس معناداری وجود دارد. با توجه به اهداف و فرضیات، از روش‌های تحقیقی متنوعی استفاده شد؛
- الف) روش توصیفی-تحلیلی؛ برای ارزشیابی سطح برخورداری‌ها و مشکل دسترسی‌ها.
- ب) روش تداومی-مقطعی؛ برای ارزشیابی روند رشد و مکان‌یابی‌ها در چهار مقطع ده ساله ۸۵-۱۳۴۵.
- مواد لازم برای استفاده در روشهای بالا تنها از طریق بررسی میدانی امکان‌پذیر شد؛ زیرا منابع آماری (فرهنگ‌ها و شناسنامه‌ی آبادی‌ها) از ضعف‌های اساسی برخوردارند. برای مثال می‌توان به اطلاعات مراکز آموزشی اشاره کرد؛ به گونه‌ای که در فرهنگ آبادی‌های ۱۳۴۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۴۷) تنها به دبیرستان، در

فرهنگ آبادی‌های ۱۳۵۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۷) و ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷) تنها به مدرسه‌ی راهنمایی اشاره شده است. بدتر از این‌ها در شناسنامه‌ی آبادی‌های ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶) هیچ کدام از آن دو ثبت نشده‌اند. بنابراین در پرسشنامه‌ی روستا، یکی از سؤالات، ذکر سال احداث خدمات برتر، منتخب عنوان شد.

پ) روش ارزشیابی سریع روستا؛ که براساس آن نقاط ضعف و قوت روستا با مشارکت مستقیم روستائیان مشخص می‌شود (استلاجی، ۱۳۸۱: ۱۷). در این مورد، شوراهای اسلامی کلیه‌ی روستاها به عنوان نماینده روستائیان برای سنجش برخورداری و مشکل دسترسی در نظر گرفته شدند.^۲

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی مورد مطالعه، کلیه‌ی روستاهای بالای بیست خانواری شهرستان مشهد در تابستان ۱۳۸۵ (۳۳۹ پارچه) با جمعیت ۳۲۹۸۳۰ تن بوده‌اند که در سطح ۴ بخش و سیزده دهستان با مساحتی حدود ۱۰۳۰۰ کیلومتر مربع و تراکم نسبی ۳۲ تن توزیع شده‌اند. در این میان ۱۹۹ روستا با ۱۹۸ هزار تن جمعیت در بخش مرکزی، ۶۱ روستا (۷۲ هزار تن) در بخش رضویه، ۴۶ روستا (۲۹ هزار تن) در بخش احمدآباد و ۳۳ روستا (۳۰/۵ هزار تن) در بخش طرچه استقرار یافته‌اند. بنابراین، اهمیت بخش مرکزی از همین آغاز آشکار می‌شود. بدیهی است با توجه به اهداف و فرضیات تحقیق و نیز لزوم به کارگیری روش ارزشیابی سریع، پرسشنامه‌های روستا توسط دهیار یا شورای اسلامی کلیه‌ی روستاها تکمیل شد.

مواد تحقیق

مواد اصلی تحقیق خدمات برتری هستند که با خاصیت افقی خود، می‌توانند در صورت جایابی صحیح برای روستای برخوردار حوزه‌ی نفوذ ایجاد کرده، از وابستگی روستاهای محروم به شهر کاسته، قابلیت دسترسی‌ها را ارتقاء و در نهایت به بهبود شرایط زندگی و هم‌بستگی اجتماعی در مناطق روستایی یاری رسانند. این خدمات با توجه به واقعیات موجود عبارت‌اند از: مدرسه‌ی راهنمایی، دبیرستان، مدرسه‌ی فنی و

1. Rapid Rural Appraisal

۲. تجهیز شوراها و یا دهیارها به شبکه‌ی اینترنت (Interanet)، برای گسترش روش ارزیابی سریع در موارد گوناگون بسیار ضروری است؛ زیرا وسعت آن از اینترنت کمتر و معمولاً بین مراکز خاصی جریان دارند.

حرفه‌ای (کار و دانش)، مرکز خدمات روستایی، پاسگاه، بانک، مرکز ترویج، خانه بهداشت، مرکز بهداشتی - درمانی و نمایندگی پست.

روند مکان یابی خدمات برتر

توزیع فضایی خدمات برتر در مقطع نخست (۴۵-۱۳۳۵) نشان از نبود حداقل ضوابط علمی دارد؛ زیرا چهار خدمت از هشت خدمت، تنها در دهستان پیوه ژن (پاسگاه، خانه بهداشت، مرکز بهداشتی - درمانی و پست) و چهار مورد دیگر در چهار دهستان تبادکان (مدرسه راهنمایی)، شاندیز (بانک)، میامی (پاسگاه) و کنویست (مرکز خدمات) استقرار یافتند. ارزشیابی و سنجش افکار روستائیان با بیشتر این مکان یابی ها سازگاری ندارد، ضمن این که از مجموع سیزده دهستان، تنها چهار دهستان برخوردار شده بودند.

سال‌های ۵۵-۱۳۴۵، تنها مقطعی است که هیچ خدمت برتر جدیدی احداث نشد، اما شش دهستان دیگر برخوردار شده و دو دهستان سرجام و آبروان همچنان محروم باقی ماندند. این مقطع را می توان دوره‌ی گسترش مدارس راهنمایی (۱۹ مورد) دانست.

در سال‌های ۶۵-۱۳۵۵، اولین دبیرستان‌ها در روستاهای اوارشک و شاه تقی در دهستان پیوه ژن، تپه سلام در دهستان میامی و دفاتر ترویج در روستاهای انداد، طوس سفلی، آبروان، ملک آباد و دیزباد سفلی استقرار یافتند. اگرچه این مکان یابی ها از پذیرش اجتماعی بالایی برخوردارند، اما سطح عملکرد جغرافیایی محدودی را در بر گرفتند؛ زیرا یازده دهستان از دبیرستان و هشت دهستان از دفتر ترویج همچنان بی نصیب ماندند. در این مقطع، تأسیس خانه‌ی بهداشت بی رقیب ماند؛ تحولی که تأثیر خود را در کاهش موالید به خوبی بروز داد. تا سال ۱۳۷۵ روند کند احداث دبیرستان باعث شد که دهستانهای سرجام، پایین ولایت، کنویست، کارده و درزاب محروم بمانند. با این وجود، دهه‌ی ۷۵-۱۳۶۵ دوره‌ی اوج راهیابی دبیرستان و مرکز بهداشتی - درمانی به روستاها بوده است. مدارس فنی - حرفه‌ای با تأخیری بسیار در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ به مناطق روستایی راه یافتند. تأسیس هشت مدرسه در این فاصله، نشان از درک اهمیت موضوع دارد، اگرچه مکان یابی چهار مورد آن در روستاهای امیرآباد (طوس)، باز حوض سفلی (میامی)، علی آباد (تبادکان) و شاه تقی (پیوه ژن) پذیرش اجتماعی اندکی دارند. ارزشیابی اجتماعی نشان داده است که تا سال ۱۳۶۵، در بیشتر دهستان‌ها سیر مکان یابی خدمات برتر منطبق با خواست جامعه نبوده است و در برخی موارد، همین روند در سال‌های بعدی نیز تداوم

یافته است. برای مثال می‌توان از علی آباد (تبادکان)، خرابه‌ی امین (میان ولایت)، شاه تقی (پیوه ژن) و امیرآباد (طوس) نام برد. برعکس، بهترین مکان‌یابی‌ها در دهستان‌های پایین ولایت، سرجام، آبروان و تا حدی در شاندیز و طبقه صورت گرفته است.

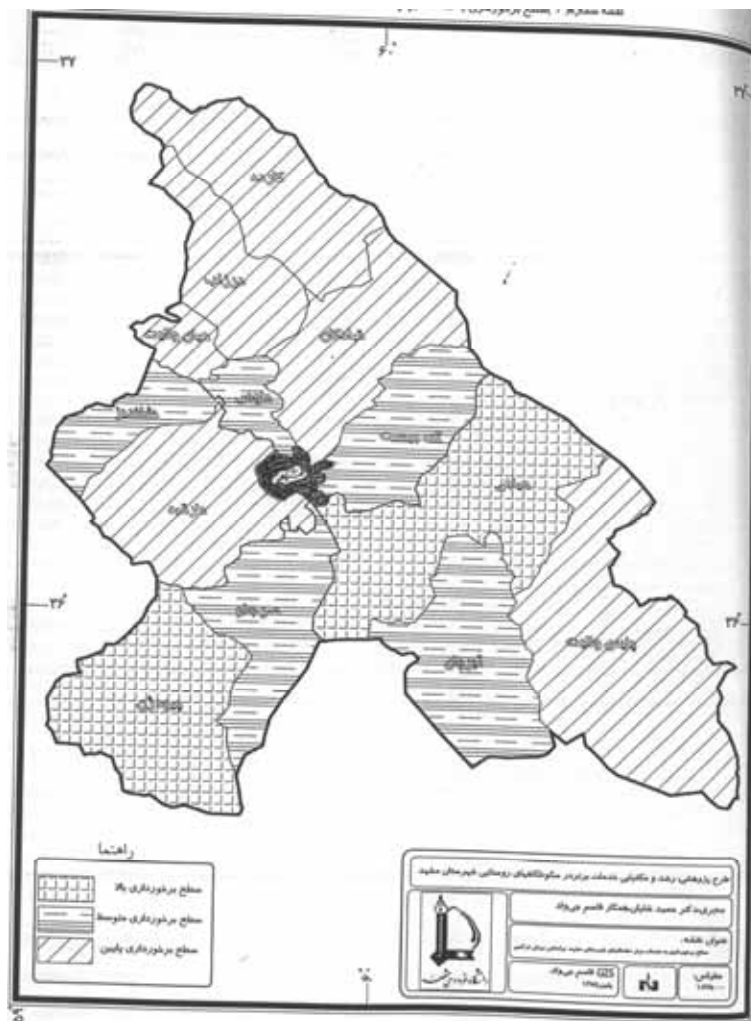
با توجه به میزان رشد خدمات برتر در روستاهای مشهد (فرضیه‌ی نخست) می‌توان گفت که طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵ برخورداری‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر شده است، اما آزمون سایر فرضیه‌ها، گویای این واقعیت مهم هستند که مکان‌یابی‌ها از دقت کافی برخوردار نبوده‌اند.

تباینات فضایی در سطوح برخورداری

با تلفیق سه روش (درصد برخورداری جمعیت، معیار Z و الگوی مورس) دهستان‌های شهرستان مشهد با روشی تحت عنوان الگوی ترکیبی، از نظر سطح برخورداری طبقه بندی شده‌اند. الگوی ترکیبی، الگویی ابتکاری بر مبنای تلفیق سه روش دیگر است، بدین ترتیب که رده‌ی هر دهستان بر حسب تکرار، حداقل در دو روش مشخص می‌شود. ملاک طبقه‌بندی سطوح برخورداری و مشکل دسترسی هر سه روش، مبتنی بر الگوی تقسیم بر سه دامنه‌ی نوسانات بوده است. بدین ترتیب دهستان‌های میامی و پیوه ژن در گروه «برخوردارترین»، کنویست، طوس، شاندیز، آبروان و سرجام در گروه «متوسط» و شش دهستان دیگر در گروه با برخورداری «پایین» جای گرفته‌اند. بر حسب معیار Z و ضرایب مورس، تفاوت معناداری میان دهستان‌ها در این زمینه وجود دارد. برای مثال بالاترین معیار Z و ضریب مورس به ترتیب ۱/۲۲ (پیوه ژن) و ۷۷/۶۳ (میامی) و کمترین آنها، ۱/۸- (معیار Z) و ۸/۵۸ (مورس) در میان ولایت محاسبه شده است.

بیشترین ناهمگونی یا ضریب اختلاف (نسبت انحراف معیار به میانگین؛ CV) به خدمات ترویج، مدارس فنی و حرفه‌ای و بانک و کمترین آن به خانه بهداشت، مدرسه‌ی راهنمایی، نمایندگی پست و پاسگاه اختصاص دارد. بنابراین می‌توان گفت که در خصوص ساماندهی توزیع فضایی خدمات سه گانه‌ی «ترویج، فنی و حرفه‌ای و بانک» برنامه ریزی خاصی باید صورت گیرد؛ به‌ویژه که از سیزده دهستان شهرستان نه دهستان فاقد مرکز ترویج، هفت دهستان فاقد بانک و پنج دهستان فاقد فنی و حرفه‌ای هستند.

نقشه (۱) سطح برخورداری به خدمات برتر دهستان‌های شهرستان مشهد بر اساس روش توکیبی (۱۳۸۵)



تباینات فضایی در مشکل دسترسی و ارتباط آن با متغیرهای منتخب

بررسی مشکل دسترسی با استفاده از مطالعات میدانی، درخصوص بهره‌مندی خدمات در مرحله‌ی نخست، نتیجه‌ای منطبق با نظریات مکان مرکزی، مرکز-پیرامون، قطب رشد و عملکردهای شهری در توسعه‌ی

روستایی را عرضه نداشت. «نظریه‌هایی که نواحی نزدیکتر به مکان‌های مرکزی را بهره‌مندتر از نظر نوآوری‌ها، امکانات و خدمات می‌دانند» (بدری، ۱۳۸۵: ۱۲۶). دلیل این ادعا قرارگیری چهار دهستان از شش دهستان بخش مرکزی در گروه دارای «مشکل دسترسی بالا» است. در کل شهرستان، هم براساس معیار Z و هم ضریب موریس، دهستان‌های طوس، درزاب و کارده، هر سه از بخش مرکزی دارای بالاترین مشکل دسترسی هستند. برعکس، پیوه ژن، میامی و پایین ولایت کمترین مشکل را دارند. بنابراین ساماندهی توزیع خدمات برتر به منظور کاهش مشکل دسترسی بخش مرکزی از ضروریات اولیه است. گستره‌ی جغرافیایی، مشکلات دسترسی، جمعیت تراکم و ضرورت کاهش وابستگی جمعیت به کلان شهر مشهد، می‌تواند دلایل کافی برای جدایی دهستان‌های طوس، درزاب و میان ولایت از بخش مرکزی و تشکیل بخش مستقلی به نام «طوس» یا «فردوسی» به مرکزیت طوس سفلی باشد.

در مجموع دهستان‌های طوس، درزاب، کارده، آبروان و سرجام با بیشترین مشکل دسترسی از نظر ساماندهی فضای خدمات برتر در اولویت قرار دارند.

باتوجه به ضریب اختلاف و شدت مشکل دسترسی، در مکان‌یابی خدمات برتر، اولویت با دیرستان، مرکز بهداشتی - درمانی و بانک است. پس از این‌ها، مدرسه راهنمایی، مرکز خدمات روستایی و مدرسه فنی و حرفه‌ای دارای اولویت هستند (جدول ۴).

تحلیل هم‌بستگی بین متغیرها نشان می‌دهد که میان میانگین جمعیت روستاهای دهستان و میزان برخورداری در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد ($r = 0.12$) = سطح معناداری و $Z = 2.519$ = معیار Z) ارتباط مستقیم وجود دارد، اما بین میانگین جمعیت با مشکل دسترسی ($Z = 0.119$ و $r = 0.97$) = سطح معناداری) و نیز بین مشکل دسترسی با ضریب برخورداری ($r = -0.37$) ارتباطی برقرار نیست. هم‌بستگی نسبتاً بالا بین فاصله و ضریب برخورداری حکایت از تأثیر دور از انتظار فاصله دارد؛ بدین معنا که با افزایش فاصله، برخورداری تا حدی بیشتر است. مهمتر از همه، عدم ارتباط معنادار میان ضریب برخورداری و مشکل دسترسی با رشد جمعیت است. این موضوع نشانه‌ی خوبی برای تأثیر ناچیز سطح برخورداری و حتی مکان‌یابی خدمات برتر بر ثبات جمعیت روستایی می‌تواند تلقی گردد. بدیهی است ارائه خدمات برتر وقتی کارساز است که ارتقاء بنیه‌ی اقتصادی جامعه را نیز به همراه داشته باشد. البته در این محاسبات وضعیت خاص پنج دهستان بخش مرکزی دارای اثرات ویژه‌ای است؛ زیرا رشد جمعیت آن عمدتاً متأثر از مجاورت با شهر مشهد است.

جدول (۵) - سطح مشکل دسترسی به خدمات برتر دهستان‌های مشهد براساس چهار الگو (۱۳۸۵)

مشکل دسترسی	مورس	معیار Z	نسبت‌ها	ترکیبی
پایین	میامی، پیوه‌ژن پایین ولایت، طرهبه شاندریز	میامی، پیوه ژن، پایین ولایت، طرهبه، شاندریز، کنویست	میامی، پیوه ژن، پایین ولایت	میامی، پیوه‌ژن* پایین ولایت، ** طرهبه*، شاندریز
متوسط	سرجام، کنویست میان ولایت	سرجام، میان ولایت	سرجام، میان ولایت، طرهبه، شاندریز، کنویست	سرجام، * میان ولایت، کنویست *
بالا	طوس، آبروان، درزاب، کارده، تبادکان	طوس، آبروان، درزاب، کارده، تبادکان	طوس، آبروان، درزاب، کارده، تبادکان	طوس، آبروان، درزاب*، کارده، * تبادکان*

* هم خوانی مشکل دسترسی با سطح برخورداری به صورت قابل انتظار .

** عدم هم خوانی مشکل دسترسی با سطح برخورداری به صورت غیر قابل انتظار .

جدول (۶) - ضریب برخورداری و مشکل دسترسی * دهستان‌های مشهد (۱۳۸۵)

بخش	دهستان	ضریب برخورداری (h)	رتبه	ضریب مشکل (P)	رتبه
احمدآباد	سرجام	۳۴/۵۶	۷	۴۶/۴۷	۶
	پیوه ژن	۶۳/۳۷	۲	۲۶/۱۵	۱۱
مرکزی	میان ولایت	۸/۵۸	۱۳	۴۳/۷	۷
	تبادکان	۲۹/۸۴	۹	۵۴/۱۵	۴
	کارده	۲۱/۵۵	۱۱	۵۵/۲۸	۳
	کنه بیست	۳۸/۲	۵	۳۸/۰۴	۸
	درزاب	۲۱/۸۷	۱۰	۵۸/۰۶	۲
	طوس	۳۵/۵۸	۶	۶۰/۹۳	۱
طرهبه	شاندریز	۵۰/۲	۳	۲۸/۹۹	۱۰
	طرهبه	۳۱	۸	۳۱/۳	۹
رضویه	میامی	۷۷/۶۴	۱	۱۸/۴۳	۱۳
	آبروان	۴۵/۷۳	۴	۵۱/۶۹	۵
	پایین ولایت	۱۲/۳۲	۱۲	۲۱/۸۸	۱۲

* براساس الگوی مورس (نبود همبستگی): $r.ph = -0.37$

جدول (۷) - هم‌بستگی بین ضریب برخورداری و مشکل دسترسی دهستان‌ها با عوامل منتخب*

متغیرها	تعداد روستا	جمعیت دهستان	میانگین جمعیت روستاها	فاصله تا شهر مشهد	رشد جمعیت (۸۵-۱۳۶۵)
ضریب برخورداری (۱۳۸۵)	۰/۱۱۷	۰/۴۲	۰/۶۹۸	۰/۴۲۳	-۰/۰۸
سطح معناداری	۰/۶۸ (Z=۰/۴۲۲)	۰/۱۳ (Z=۱/۵۱۶)	۰/۰۱۲ (Z=۲/۵۱۹)	۰/۱۲۶ (Z=۱/۵۲۷)	۰/۷۸ (Z=۰/۲۸)
ضریب مشکل (۱۳۸۵)	۰/۲۰۷	۰/۱	۰/۰۳۳	۰/۳۳۵	۰/۱۷۸
سطح معناداری	۰/۴۵ (Z=۰/۷۴۹)	۰/۷۳ (Z=۰/۳۴۷)	۰/۹۷ (Z=۰/۱۱۹)	۰/۲۳ (Z=۱/۲)	۰/۵۳ (Z=۰/۶۱۶)

* - ضرایب برخورداری و مشکل دسترسی براساس الگوی مورس

- ملاک فاصله، فاصله ی مرکز دهستان تا شهر مشهد است.

- سطح معناداری براساس محاسبه Z به قرار زیر است:

$$Z = r/s \quad s = 1/\sqrt{n} \quad \Gamma = \text{ضریب همبستگی}$$

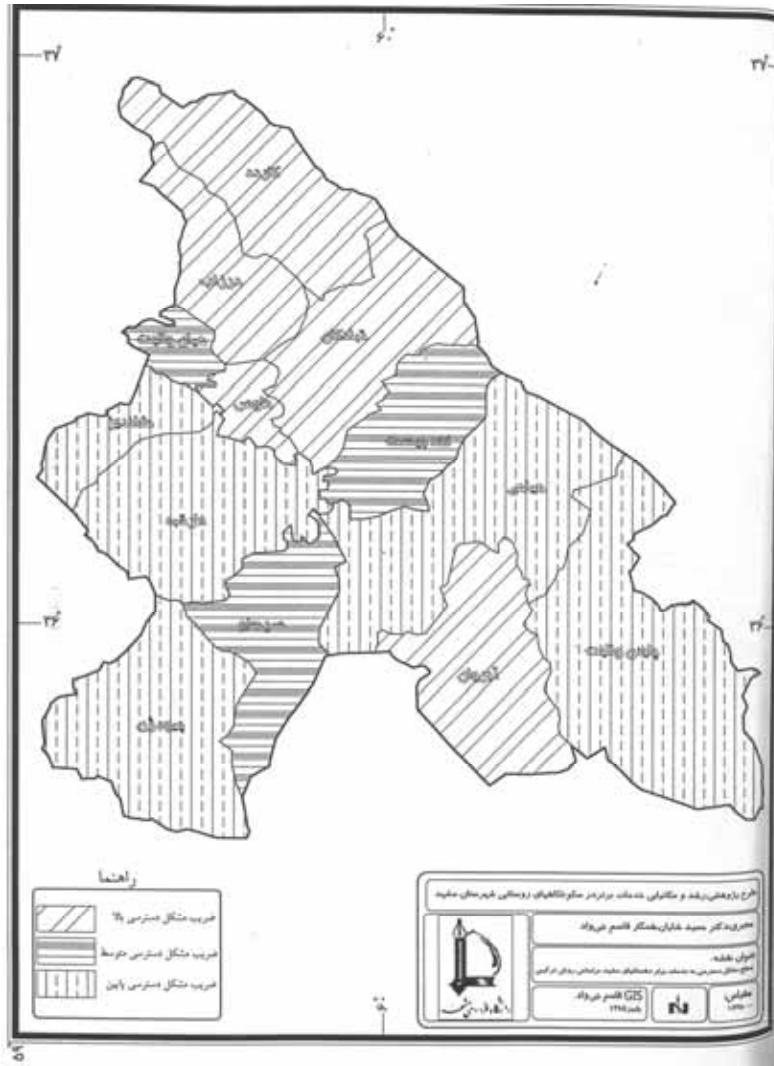
n = تعداد دهستان

پس از محاسبه Z ، با استفاده از جدول توزیع معیار Z، سطح اطمینان را یافته ، آن را از عدد یک کم کرده ، سطح معناداری به دست می آید. بدیهی است

حداقل I لازم برای اثبات معناداری همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد (معناداری ۰/۰۵) عبارت است از: $1/96 \times S$ و در سطح معناداری ۰/۰۱ ؛

$2/575 \times S$ که در اینجا (n=۱۳) به ترتیب می شوند ۰/۵۴۴ و ۰/۷۱۳ .

نقشه (۲) سطح مشکل دسترسی به خدمات برتر دهستان‌های مشهد براساس روش ترکیبی (۱۳۸۵)



نتیجه‌گیری

با توجه به مواد تحقیق و آزمون‌های مربوط، فرضیه‌های ۱ و ۲ به اثبات رسیدند. به عبارت دیگر، اگرچه رشد خدمات برتر در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد در سال‌های ۸۵-۱۳۴۵ قابل ملاحظه بوده است، ولی بین سیزده دهستان از لحاظ بعد کمی (برخورداری) و کیفی (مشکل دسترسی) تفاوت بسیار شدیدی وجود دارد. از این مهم‌تر، عدم اثبات فرضیه‌ی سوم می‌باشد؛ زیرا بین بعد کمی و کیفی تحقیق در سطح دهستان‌ها ارتباط معناداری برقرار نیست. متأسفانه این موضوع نشانه‌ی عدم مکان‌یابی بهینه‌ی خدمات برتر در حد قابل قبول به‌ویژه در بخش گسترده، پرجمعیت و حساس مرکزی است. بنابراین در سرمایه‌گذاری‌های کلان توزیع خدمات برتر، مکان‌یابی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در راستای تحقق این مهم، اجرایی کردن نظام سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس ضوابط علمی مبتنی بر اصل مشارکت یا پذیرش اجتماعی و مقررات مصوب اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در این زمینه، تأسیس نظام‌هایی برای مشخص کردن خواسته‌ها و نیازهای گروه‌های مورد نظر (کوتر، ۱۳۶۸: ۱۱۱) با مرکزیت دهیارها اهمیت زیادی دارد.

در مجموع از نظر فضایی، دهستان‌های طوس، درزاب، کارده، تبادکان، آبروان و سرجام و از نظر نوع خدمات، دیرستان، مرکز بهداشتی-درمانی و بانک بیشترین سطح مشکل دسترسی را تحمل می‌نمایند. بدیهی است با ارتقای سهولت دسترسی روستائیان به خدماتی که آستانه‌ی نیاز بیشتری دارند، گام بلندی در جهت بهبود شرایط و هم‌بستگی اجتماعی در مناطق روستایی برداشته خواهد شد. این تحول خود به بهبود مناسبات سکونتگاه‌های روستایی به تبع دگرگونی ساختاری-عملکردی آنها منجر خواهد شد. از این نظر مناطق روستایی مشهد با توجه به استقرار دومین کلان‌شهر کشور با ۷۳۰ هزار تن حاشیه‌نشین (جوان، ۱۳۸۴: ۵۶)، مهاجر فرست بودن ۷۱ درصد از روستاهای آن (شایان، ۱۳۸۳: ۱۰۹) و نتایج تحقیق حاضر دارای اولویت غیر قابل انکاری است. اگر چه بر این واقعیت آگاهییم که «مسائل و مشکلات حاشیه‌ی شهر مشهد نهفته در خود آن نیست، بلکه نتیجه‌ی عدم تعادل‌های فضایی در فضای شهری مشهد، استان و دیگر استانهاست» (جوان، ۱۳۸۲: ۶۱).

ضروری است روند مکان‌یابی خدمات برتر در روستاهای مشهد از حالت اوزالیدی به مشارکتی تغییر یابد. رهیافت اوزالیدی «با برخورد از بالا و یک سو به، هر چند دلسوزانه و با صحت فنی باشد، عملاً به کنارماندن جامعه از جریان توسعه و ناتوانمندسازی آن می‌انجامد؛ در حالی که رهیافت مشارکتی با حرکتی از پایین و

منابع و مآخذ

۱. استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۱)، «بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی»، مجله‌ی جهاد، ش. ۲۴۲.
۲. بدری، سیدعلی (۱۳۸۵)، «تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران»، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۲.
۳. جوان، جعفر (۱۳۸۲)، «نگرشی بر نحوه‌ی ساماندهی حاشیه‌ی کلان شهرها»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، ش. ۱.
۴. _____ (۱۳۸۴)، «کوتاه‌نگرشی بر ساخت و سازهای غیرمجاز در حاشیه‌ی شهر مشهد»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش. ۴۰.
۵. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران»، نشر قومس.
۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۴)، «فکار آمدمی ساختاری- عملکردی نظام‌های فضایی ناحیه‌ای، مورد: ناحیه‌ی باغم‌لک»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش. ۵.
۷. شایان، حمید (۱۳۸۳)، «تحلیل جغرافیایی وضعیت مهاجرت سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ش. ۳.
۸. صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، «مبانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای» مجموعه‌ی برنامه و بودجه ۱۶، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۹. کوثر، هربرت (۱۳۶۸)، «اهداف و راهبردهای توسعه‌ی کشاورزی در جهان سوم»، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، ش. ۲.
۱۰. مرکز آمار ایران، «فرهنگ آبادیهای شهرستان مشهد، سال‌های ۴۵، ۵۵ و ۶۵».
۱۱. _____ (۱۳۷۶)، «شناسنامه‌ی آبادی‌های شهرستان مشهد؛ ۱۳۷۵».
۱۲. مهندسان مشاور DHIV هلند (۱۳۷۵)، «رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی - جلد دوم»، وزارت جهاد سازندگی.
۱۳. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۸)، «صوبه‌ی نهایی الگوی سطح‌بندی مناطق روستایی و استانداردها و ضوابط ارائه خدمات روستایی کشور»، شورای عالی شهرسازی و معماری.

14. Agyeman, J, Evans. B (2004). "Just sustainability: the emerging discourse of environmental justice in Britain" - the Geographical Journal, vol. 170, No.2.

15. Graham .H, Dave .C (2004). "Regions and sustainable development: regional planning matters"- the Geographical Journal, vol. 170 , No. 2.

16. Jupp. D (1998). "Community participation in Rural Infrastructure Development"- RRMIMP, Indonesia
17. Montogomery.J (1998). "Social capital- Research Notes" - Harvard university.